

ویژگی دوم نبرد سیف‌القدس، همان‌طور که اشاره هم شد، وحدت و همگرایی میان فلسطینی‌های ساکن غزه، فلسطینی‌های کرانه باختری و فلسطینی‌های حاضر در سرزمین‌های ۱۹۴۸ بود که به اعراب اسرائیل مشهور هستند

تا پیش از این اتفاق، در جنگ‌هایی که علیه غزه صورت گرفته بود، کرانه باختری واکنش چندانی نشان نمی‌داد اما در سال ۱۴۰۰ چون ساکنان کرانه باختری درخواست کمک کردند، غزه به کمکشان رفت.

ویژگی سوم هم خیزش فلسطینی‌های ساکن مرزهای ۱۹۴۸ بود که پیش از آن اصلاً سابقه نداشت.

در نبرد سیف‌القدس، فلسطینی‌های ساکن در مرزهای ۱۹۴۸، یکی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین را به مدت ۷۲ ساعت تصرف کردند و نهایتاً اسرائیل مجبور شد ارتش را وارد عمل کند.

این مسأله آن قدر مهم است که بعد از جنگ سال گذشته، یکی از ژنرال‌های بازنشسته ارتش اسرائیل به نام اسحاق بریک که کمیسر پذیرش سربازان در ارتش اسرائیل و مسئول ارزیابی وضعیت ارتش است، در مصاحبه با یکی از مطبوعات اسرائیلی، ارزیابی بسیار جالبی درباره نبردهای آینده اسرائیل داشت و تأکید کرد که اسرائیل باید از نبرد سیف‌القدس درس بگیرد. او گفت اسرائیل در جنگ‌های آینده چه با حزب‌الله و چه با غزه حتماً باید متغیر جدیدی به نام فلسطینی‌های ساکن ۱۹۴۸ را مد نظر قرار دهد چون بسیاری از خطوط مواصلاتی ارتش از منطقه کرانه باختری و در زمین‌های ۱۹۴۸ از مناطق عرب نشین می‌گذرد و اگر آنها اراده کنند که این خطوط مواصلاتی را دچار اختلال کنند حتماً می‌توانند ارتش اسرائیل را زمین گیر کنند. بریک در گفت‌وگو با روزنامه معاریب بعد از نبرد سیف‌القدس گفت: «این جنگ یک پیروزی بزرگ برای حماس بود و حماس در هر ساعت و لحظه‌ای اراده کند می‌تواند شروع به آتش زدن کند. جنگ بعدی در چند میدان

یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای تاریخ خود را نادیده گرفته است؛ تهدید موشکی حزب الله، اسرائیل با تهدید وجودی روبه‌رو است. ۱۵۰ هزار موشک حزب الله، صدها موشک دقیقی که می‌تواند حاوی ده‌ها کیلوگرم مواد منفجره باشد و طبق آنچه از برد آن می‌دانیم، به هر نقطه‌ای از اسرائیل می‌رسد. نبرد سیف‌القدس به فلسطینی‌ها نشان داد که می‌توانند کار را با اولتیماتوم خود پیش ببرند و در عین حال همگرایی بی‌سابقه بین فلسطینی‌ها، یک روحیه مضاعفی به آنها داد که احساس کردند می‌توانند به صورت فعال وارد عرصه شوند. سیف‌القدس موازنه وحشت را برقرار کرد و معادلات راهبردی مقاومت با اسرائیل را هم بهبود بخشید و هم ارتقا داد. لذا ترس از تکرار سیف‌القدس الان کابوس اسرائیل است.

می‌دانید که اسرائیل در سیف‌القدس از دو سامانه فوق استراتژیک خودش رونمایی کرد که باز هم موجب پیروزی اسرائیل نشد. یکی سیستم فرماندهی و کنترل جدید جنگی اسرائیل با نام «قلعه صهیون» بود که از سال ۲۰۱۲ برایش هزینه سنگینی کرده بودند و خودش داستانی است.

اسرائیل برای این مرکز فوق مدرن هدایت جنگ، میلیاردها دلار خرج کرده و در نوع خودش یکی از پیچیده‌ترین اتاق‌های جنگ در دنیا است.

دوم سیستم «ارگ داوید» است که عملاً بزرگ‌ترین مجتمع اطلاعاتی و عملیاتی در غرب آسیا است که پایه اصلی آن هوش مصنوعی است. این مرکز که در صحرا ی نقب مستقر است در نوع خود بی‌نظیر است و اسرائیل برای این سیستم هم میلیاردها دلار هزینه کرده است.

هر دو این سیستم‌ها عملاً در برابر راکت‌ها و موشک‌های چند صد دلاری مقاومت در غزه و سیستم فرماندهی یک نابغه به نام محمد ضیف زمین گیر شد و کاملاً شکست خورد. متأسفانه به دلیل عدم رصد و اشراف کامل ما به مسائل راهبردی و نظامی و امنیتی رژیم اسرائیل هنوز درک روشن و واضحی از عظمت سیف‌القدس و مقاومت فلسطین برای ما تبیین نشده و رسانه‌های

حفره‌های تاریکی دارد که در نهایت اسرائیل را در درون خود خواهد بلعید. **تلاشی که آنها می‌کنند تا کشورهای عربی را به سمت خودشان بکشند، چقدر در افزایش ثبات آنها مؤثر خواهد بود؟**

اساس رژیم صهیونیستی بر فتنه‌گری، دسیسه و ایجاد بحران است و عملاً کانون تهدید، توطئه و فتنه در منطقه ماست و سیاست آنها در مقابل جمهوری اسلامی و محور مقاومت مبتنی بر همین ذات و ماهیت است.

در خلیج فارس بحث حضور اسرائیل در بحرین و امارات مطرح است و در رسانه‌ها هم این طور آمده که قرار است دفتر موساد در دویبی و امارات به‌عنوان قوی‌ترین دفتر این سازمان در خارج از سرزمین‌های اشغالی باشد. آنها می‌خواهند عملاً امارات را به قطب جاسوسی انسانی و سایبری تبدیل کنند.

حتی بحث‌هایی درباره واگذاری پایگاه نظامی مطرح و گفته شد امارات تلاش دارد یکی از بزرگ‌ترین مراکز جاسوسی سایبری را در عمق زمین در اختیار صهیونیست‌ها قرار دهد.

در عین حال حضور جدی صهیونیست‌ها در اقلیم کردستان، آذربایجان و ترکیه با چرخش اخیر اردوغان و حضور در آسیای میانه و قفقاز و کشورهای مانند ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و قبیله از آن در افغانستان و پروژه سیاسی از میدان خارج کردن عمران خان در پاکستان مربوط به عادی سازی روابط با اسرائیل بوده است.

شما چقدر این احتمال را می‌دهید که در آینده نزدیک شاهد نبرد گسترده‌ای میان مبارزان فلسطینی با ارتش رژیم صهیونیستی باشیم؟

برای بررسی تحولات فلسطین باید حداقل یک سال به عقب برویم؛ یعنی از رمضان سال ۱۴۰۰ که شاهد تشدید تنش در مسجد الاقصی بودیم. روی کار آمدن بایدن در آمریکا و ائتلاف نفتالی بنت و لاپید در اسرائیل یک راه تنفس برای مردم فلسطین و ساکنان سرزمین‌های اشغالی باز کرد و پس از آن وضعیت مردم فلسطین به صورت نیمه فعال تغییر کرد.

واقعیت این است که ثبات رژیم اسرائیل بسیار شکننده و بزرگ شده است. یعنی واقعاً آن چیزی که نشان می‌دهند، نیستند. آنها سعی می‌کنند در تبلیغات، چهره امنیتی خودشان را با ثبات نشان دهند ولی برداشت ساکنان سرزمین‌های اشغالی این نیست. آنها دیدند که چطور یک جوان فلسطینی می‌تواند خودش را به حفاظت شده‌ترین نقاط اسرائیل برساند و در آنجا عملیات کند و چندین ساعت، همه نیروهای امنیتی و ارتش نمی‌توانند او را پیدا کنند.



در ایران هم ما این حالت را از اواخر سال ۱۴۰۰ شاهد بودیم که سپاه پاسداران مقرر موساد و مواضع رژیم صهیونیستی در اربیل را موشک باران کرد و انهدام شبکه جاسوسی صهیونیست‌ها در فردو و حمله سایبری و تخلیه اطلاعات کامپیوتر شخصی رئیس موساد را داشتیم و به فاصله یک ماه پس از آن، تحولات داخل فلسطین هم آغاز شد.

واقعیت این است که ثبات رژیم اسرائیل بسیار شکننده و بزرگ شده است. یعنی واقعاً آن چیزی که نشان می‌دهند، نیستند. آنها سعی می‌کنند در تبلیغات، چهره امنیتی و سیاسی خودشان را محکم و باثبات نشان بدهند ولی برداشت ساکنان سرزمین‌های اشغالی این نیست. آنها شکست‌های پی‌درپی دستگاه‌های امنیتی رژیم خود را دیدند. آنها دیدند که چطور یک جوان فلسطینی می‌تواند خودش را به امن‌ترین و حفاظت شده‌ترین نقاط اسرائیل برساند و در آنجا عملیات کند و چندین ساعت، همه نیروهای امنیتی و ارتش نتوانند او را پیدا کنند.

آن هم افرادی که قبلاً سابقه باز داشت توسط دستگاه‌های امنیتی اسرائیل را داشتند و از این نظر تحت رصد هم باید بوده باشند.

بعد از ماجراهای اخیر، نفتالی بنت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی صحبت جالبی کرد و گفت: «اگر دشمنان ما فکر می‌کنند که با این اتفاقات ما مجبور می‌شویم از اینجا برویم این اتفاق نخواهد افتاد.»

این حرف یعنی چهار عملیات اخیر که روی هم ۱۸ کشته و ۳۰ مجروح داشت، چنان آستانه تحمل رژیم صهیونیستی را متزلزل کرده که نخست‌وزیر آن می‌گوید آنها می‌خواهند ما را بیرون کنند اما ما بیرون نمی‌رویم!

واقعیت این است که آنها قبل از ماه رمضان در نشست‌های مختلف از جمله شرم‌الشیخ و نقب تلاش کردند از طریق آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا وارد شوند و پای دولت اردن را وسط کشیدند و از سوی دیگر کشورهای عرب خلیج فارس و بویژه امارات برای فشار به حماس و گروه‌های جهادی به میدان آمدند تا ماه رمضان سال گذشته تکرار نشود، چراکه نبرد سیف‌القدس برای اسرائیلی‌ها آبرو نگذاشت و به خوبی نشان داد که چقدر صهیونیست‌ها دچار ضعف و شکنندگی هستند. هنوز با گذشت یک سال از آن جنگ، صهیونیست‌ها نتوانستند شکست‌شان را فراموش کنند.

ما همواره تحلیل‌های کلیشه‌ای بدون اتکا به فکت‌ها و واقعیت‌های میدانی ارائه می‌کنند. در صورتی که اگر رسانه‌های اسرائیلی بخوبی رصد شود عمق شکست اسرائیل در سیف‌القدس روشن می‌شود. دقیقاً همانند شکست تاریخی اسرائیل در نبرد ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ که در پس آن هم نابغه‌ای به نام شهید عماد مغنیه قرار داشت.

به نظر من بزرگ‌ترین شکست اسرائیل در سیف‌القدس همانند شکست در جنگ ۳۳ روزه، شکست اطلاعاتی است. ببینید، پشت هر پیروزی نظامی، یک کارزار نفسگیر اما موفق اطلاعاتی نهفته است. شهید مغنیه و محمد ضیف ابتدا در میدان نبرد اطلاعاتی و در کارزار اطلاعاتی، اسرائیلی‌ها را شکست دادند و بعد در میدان نبرد نظامی.

این مسأله چقدر در مقایسه با تهدیدات مقابل این رژیم مانند ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی... برای آنها جدی است؟

مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین اندیشکده و اتاق فکر این رژیم، برای اولین بار، تهدید داخلی را هم به‌عنوان یکی از تهدیدات این رژیم تعریف کرده است.

یعنی صهیونیست‌ها از سال گذشته به این طرف تهدید داخلی را در کنار تهدید جمهوری اسلامی و تهدید جبهه شمالی (حزب‌الله) بالاترین تهدید برای خود می‌دانند.

در کنار اینها، جامعه اسرائیلی امروز مملو از شکاف و گسل است و دلیل آن این است که این رژیم، یک کشور و جامعه به معنی واقعی کلمه نیست بلکه یک پروژه ناقص سیاسی است که توسط استعمار و قدرت‌های مداخله‌گر ایجاد شده و پروژه دولت-ملت‌سازی آن از پایه معیوب است.

البته حتماً آنها پروژه‌های سنگینی برای جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت تدارک دیده‌اند اما اتفاقات اخیر و عملیات‌های سرزمین‌های اشغالی میزان سستی آنها را بخوبی نشان داد. استمرار بی‌ثباتی در داخل اسرائیل، بزرگ‌ترین تهدید برای این رژیم است.

فروپاشی رژیم صهیونیستی دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد چون اساس این رژیم بر باطل، تروویسم، اشغالگری، نژادپرستی و آپارتاید شکل گرفته است و این رژیم به این دلایل دوام نخواهد داشت، چرا که در داخل